دوفصلنامه علمی ـ تخصصی مطالعات تطبیقی کلام
سال دهم/ شماره ۱۶/ پائیز و زمستان ۱۳۹۹

Tow quaterly scientific – specified
Comparative studies of theology
Year 10 No.16, Autumn & Winter

ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین

□هدایت حسین محصلی*

□ بهادر نوری*

چکیده

پرسش بنیادین دراین مقاله این است: آیا شارع در فرامین و احکام خود از اغراض و مقاصدی که برای عقل و خرد انسانی قابل فهم باشد، پیروی می‌کند؟ ماهیت مقاصد شریعت چیست؟ برای پاسخ این پرسش به «ماهیت مقاصد شریعت و اقسام آن از دیدگاه فریقین» پرداخته شده است، مبنای دانش مقاصد شریعت بر این است که خداوند به چیزی فرمان یا از چیزی باز نداشته، مگر اینکه مقصدی در ورای آن وجود دارد. اصطلاح مقاصد شریعت در میان اندیشمندان اهل سنت رایج و کتاب‌های از گذشته تاکنون، در مورد آن دانش نوشته شده‌است. ولی در میان اندیشمندان شیعه به دلیل نوع منابع و ساختار اجتهاد و نیز شرایط تاریخی کم‌تر دیده می‌شود و بیش‌تر اصطلاح حکمت و علل بکار رفته است. مقاصد شریعت و نصوص مبین آن در فقه امامیه نمی‌تواند به عنوان یک منبع مستقل حکم شرعی قرار گیرد و بیش‌تر نقش تفسیر نصوص شرعی را دارد. اما علمای اهل سنت (به جز ظاهریه) مقاصد شریعت و مصلحت را در قالب قیاس، مصالح مرسله، استحسان و سد ذرائع به عنوان منبع مستقل حکم شرعی به کار می‌گیرند. مقاصد شریعت، پاسخ‌گو به حس کنجکاوی که در سرشت بشر به ودیعه گذاشته شده است، می‌باشد؛ زیرا دیدگاه مقاصدی توجه انسان‌ها را به دین جلب می‌کند و خواهان جلب مصلحت و دفع مفسده است. هدف اصلی در این مقاله بیان ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط احکام است، که از منظر اندیشمندان فریقین، مورد بررسی قرار گرفته است، حاصل یافته‌های این نوشتار عبارتنداز:

۱. مقاصد شریعت با عناوین گوناگون، مانند حکمت، تشریع، علل الشرایع...کانون توجه عالمان و

---

* دکتری فقه و معارف اسلامی با گرایش کلام اسلامی و استاد در دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و اصول دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه

امامان مذاهب اسلامی بوده است. ۲. امروزه بدلیل ناتوانی مکانیزم فهم سنتی شریعت در رفع نیازمندی‌های جدید زمانه، مصلحان را بر انگیخت تا به جستجوی راه‌های خروج از این مشکل بیاندیشند، ازاین‌رو، به رهیافت مقاصدی در شریعت به استنباط حکم شرعی روی آوردند.
واژگان‌کلیدی: مقاصد، شریعت، مصلحت، حکمت، مقاصد شریعت.

مقدمه

«مقاصدشریعت»، همواره کانون توجه دانش «فقه» بوده است. در علم «مقاصدشریعت»، سخن اصلی و اساسی در این است که: آیا «شریعت اسلامی» در احکام و تشریعاتش اهداف، مقاصد و مصالحی را دنبال می‌کند؟ آیا شارع در فرامین و احکام خود از مقاصدی که برای عقل و خرد انسانی قابل فهم باشد، تبعیت می‌کند؟ این پرسش،از دیرینه‌ترین پرسش‌های است که همواره کانون توجه دین پژوهان سنی و شیعه بوده است. کشف مقاصدشریعت و بهره‌بردن از عقل برای کشف آن‌ها در جهت استنباط احکام شرعی، در میان اندیشمندان فقهی سابقه‌ای طولانی است. اگرچه اهل‌ظاهر با تاکید بر رجوع به ظاهر سنت، با این گرایش مخالفت کرده‌اند، ولی مکتب‌های دیگری فقهی اهل‌سنت با مقبول دانستن قیاس آن را پذیرفته‌اند. فقیهان شیعه با تاکید بر این نکته که مصالح احکام مخفی و دور از دسترس عقل بشر است، کمتر در صدد کشف مقاصدشریعت بر آمده و به دلیل نگرانی از گرفتار شدن در دام قیاس که امامان معصوم بر دوری از آن تاکید کرده‌اند، از روش‌های استنباط عقلی تا حد ممکن اجتناب کرده‌اند. ولی فقیهان دوران میانی فقه شیعه، مانند شهید اول، به بحث مقاصدشریعت و مناطات احکام بی‌توجه نبوده‌اند.

مقاصدشریعت، با عناوین گوناگون، مانند: حکمت تشریع، علل شرایع و... کانون توجه عالمان و امامان مذاهب اسلامی بوده است. اما قدرت و اوج‌گیری گرایش‌های لفظی در فهم شریعت، نگاه مقاصدی را در حدود یك قرن، پس زد، ولی امروز آفتابی شدن ناتوانی مکانیزم فهم سنتی شریعت در رفع نیازمندی‌های جدید زمانه، مصلحان را بر انگیخت تا به جستجوی راه‌های خروج از این بن‌بست تلاش کنند. از این‌رو، بار دیگر مصلحان، جهت رفع چالش‌های فرا رو، با مددگیری از رهیافت مقاصدی به شریعت، به استنباط احکام فقهی روی آوردند.

نوشتار اول: مفهوم شناسی

در این بخش به مفهوم شناسی و توضیح واژگان کلیدی مانند مقصد، مصلحت، علت، حکمت و شریعت پرداخته می‌شود.

۱. مقصد

مقاصد جمع مَقصِد و مَقصَد مصدر میمی و مأخوذ از فعل (قصد) است.(احمدبن فارس، ۱۴۲۳: ۹۵/۵) در لغت به معنای قصد، آهنگ، نیت، هدف.آنچه بدان روی آورند و آهنگ آن کنند آمده است.(اتابکی،۱۳۹۱: ۲۵۷۲/۲) همچنان دانشمندان علم لغت برای این واژه معناهایی گوناگونی دیگری را ذکر کرده‌اند؛ مانند: میانه‌روی، راستی و استواری، اعتماد کردن، استقامت در طریق، عدالت، اراده‌ی چیزی را کردن، جهت آوردن به چیزی و بنیاد و اساس چیزی ذکر کرده اند.(فراهیدی، بیتا: ۵۴/۵-۵۵) چنانچه در حکمت ۱۴۰ نهج البلاغه سیدنا حضرت علی(رض) می‌فرماید: «ما عال من اقتصد» فقیر نشد آنکه اعتدال پیشه کرد.(قریش،۱۳۷۷: ۸۶۳/۲)

۲. شریعت

الف) در لغت

شریعت در لغت عبارت است از راه، روش، دین، قانون، کیش، عرف، عادات، گاهی اوقات در قرآن کریم منظور از شریعت، کتب عهد عتیق است. شریعت به دین، آیین، راه است مانند قول خداوند است که می‌فرماید: (**ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَه مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْها**)(جاثیه:۱۸)؛ سپس ترا بر راهی از فرمان قرار دادیم، پس بر پی آن برو! و هم‌چنین به معنای آبشخور، آستانه و بند چرمی آمده است.(جُر، ۱۳۶۳: ۱۲۶۴/۲)

ب) شریعت در اصطلاح

شریعت عبارت از احکام و اوامری است که خداوند (ج) به وسیله‌ی پیامبرانش، برای بندگانش مقرر کرده است.(ایوبی، ۱۴۱۸: ۳۱)

آیت الله جوادی آملی در معنای اصطلاحی شریعت می‌نویسد: «شریعت همان راه مناسب

برا ی رسیدن به آب حیات انسانی است که فروع جزئی راهی برای نیل به اصول و اهداف کلی است و ممکن است در هر عصری با ره مخصوصی که به وسیله‌ی پیامبران (الهی) ارائه می‌شود بتوان آن ار سرچشمه حیات بار یافت». جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۰۲)

تعریف مقاصد شریعت

مقاصد الشریعه، اسم و لقب برای علم و فنی از فنون شریعت اسلامی است و این اسم، مرکب از دو لفظ مقاصد و شریعت می‌باشد. (خادمی، بیتا: ۱۳/۱) که در بخش مفهوم شناسی، هر دو واژه (مقاصد و شریعت) از دیدگاه واژه شناسان تبیین شد. اما در این مبحث به تعاریف اصطلاحی که عبارت از همان اسم ترکیبی «مقاصد» و «شریعت» می‌باشد، پرداخته می‌شود.

مقاصد شریعت عبارت است از معانی مورد نظر احکام شرعی و مترتب بر آن‌ها چه حکمت‌هایی جزیی باشد یا مصالح کلی که ضمن یک هدف واحد جمع شده‌اند و ثبوت عبودیت خداند متعال و مصلحت انسان در دو عالم است. (همان: ۵۳)

خلاصه کلام اینکه، مقاصد شریعت یکی از ضرورت های بنیادین مکانیزم استنباط و نظریه پردازی فقهی، به ویژه در زمان معاصر می باشد؛ زیرا هر روز پرسشهای جدید و مسایل نوین فقهی رخ می‌هد که از سوی اندیشمندان به آن پاسخ داده می‌شود و لحاظ نمودن مسایل مقاصد و رعایت اصل هدف مندی تشریع در استنباط احکام، در واقع همان سازگاری احکام فقهی با روح شریعت اسلام و خواسته های شارع مقدس است.

۳. مصلحت

الف) در لغت

واژه مصلحت در کاربرد دانشمدان اهل لغت کاربست‌های مختلف دارد که در ذیل به مهم-ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. مصلحت جمع آن مصالح بوده و عبارت از چیزی است که مترتب بر فعل و باعث صلاح باشد، مصلحت از صلح گرفته شده و صلح به معنای مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت میان مردم معنی شده است. (قریشی، ۱۳۷۷: ۶۴۴/۲)

۲. «صلاح »، به معنی شایسته شدن و خوب شدن بوده و ضدّ فساد می‌باشد، اما «اصلاح» به معنی ایجاد صلح و سازش آمده است، چنانچه در حکمت ۸۹ نهج البلاغه نیز به همین معنا آمده حضرت علی (رض) می‌فرماید:[۱] هر آنکه میان خود و میان الله جل‌جلاله را اصلاح کند، خداوند متعال میان او و میان مردم را اصلاح می‌کند، و کسی که امور اخروی خود را اصلاح کند خداوند متعال امور دنیوی او را اصلاح می‌کند.

ب) در اصطلاح

امام غزالی (رح) در توضیح واژه مصلحت می‌فرماید:[۲] مصلحت در اصطلاح عبارت از جلب منفعت و دفع مضرت است.

٤. حکمت

الف) در لغت

حکمت در آثار لغت شناسان معانی مختلفی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها در اینجا اشاره می‌گردد:

۱. حکمت، به معنای دانائی، علم، دانش و عرفان آمده است.(دهخدا، ۱۳۷۷: واژه حکمت)

۲. حکمت، حقیقتاً به معنای رفتار و منش خردمندانه و خداپسندانه آمده، نه به معنای آموزش فلسفه (حکمت نظری)، زیرا ممکن است آدمی علم و دانش نداشته باشد، ولی رفتار و مناسبات اخلاقی‌اش با دوست و دشمن حکیمانه باشد.(ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳/۱۱)

ب) حکمت در اصطلاح

اندیشمدان اصولی حکمت را چنین تعریف می‌کنند:[۳] آنچه از پیوند حکم با علت یا به سبب جلب مصلحت و دفع مضّرت و یا کاهش آن است، حکمت گفته می‌شود، و نیز به آن توصیف مناسب شرایع الحکم اطلاق می‌شود.

علامه طبرسی در تعریف حکمت، چنین می‌نویسد: حکمت عبارت از آن است، که انسان را بر امر حق که هیچ باطلی در آن نباشد واقف کند.(طبرسی، ۱۴۲۷: ۱۵۵/۲)

٥. علت

الف) در لغت

واژه علت نیز، مانند دیگر واژه در کاربرد اهل لغت معانی متعددی دارد که در اینجا به مهم-ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. برخی از اندیشمدان، علت را چیزی نوپیدایی می‌داند که صاحبش را از دست‌بردن به کار اصلی باز می‌دارد، بگونه‌ای که همین علت شغل جدیدی برای او شده و او را از شغل اول منع می‌کند.(ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۷۰/۱۱)

۲. هم‌چنین واژه عَلَّ و عَلَل به معنای تکرار انجام دادن کار آمده است، مانند تکرار نوشیدن آب و یا وارد کردن ضربه بر مضروب بگونه تکرار، چنانچه عرب‌ها می‌گویند: «عَلَلٌ بعد نَهلٍ»؛ یعنی به تکرار نوشیدن بعد از سیراب شدن.(همان: ۴۶۷/۱۱-۴۷۴)

ب) در اصطلاح

علت در اصطلاح: علت وصف اصلی است که حکم بر آن بنا شده و وجود حکم در فرع، توسط آن شناخته شود.(خلاف، بیتا: ۶۱/۱)[۴]

نوشتار دوم: اهمیت مقاصد شریعت و چیستی آن

مقاصد شرعی دارای اهمیت بسزایی بوده، که نسبت به هر فردی از عامی، متخصص و فقیه مجتهد متفاوت است. بدین ترتیب، مسأله اهمیت بحث مقاصد شریعت در سه حوزه قابل طرح و بررسی است که در ذیل به آنها به صورت اجمال اشاره می گرد.

۱. اهمیت مقاصد شرعی

شناخت مقاصد شرعی از جمله امور مهم برای هر مسلمان است، خواه آن مسلمان متخصص باشد و یا غیر متخصص، در این مورد فقهای مقاصدی، نظریات متفاوتی ارائه نموده-اند: شیخ ابن عاشور (رح) مقاصد شرعی را مختص به متخصصین و مجتهدین می‌داند، در استدلال برای اثبات این مطلب بیان می‌کند، مقاصد علم دقیقی از علوم است که فهم آن برای غیر متخصص آسان نیست، برای غیر متخصص انجام امور شرعی بدون در نظرداشت مقاصد آن، لازم است، چنانچه فرموده است: «هر مکلف احتیاجی به درک و فهم علم مقاصد شرعی

ندارد... حق عامی، عمل به احکام شرعی بدون شناخت مقاصد است؛ زیرا برای مکلف غیر متخصص، درک و ضبط مقاصد غیرممکن است، تا اینکه غیر مقاصد در محل مقاصد جاگذاری ننمایند».(جبه جی،بیتا: ۱۸۸) دکتر یوسف عالم، در کتاب المقاصد العامه این نظریه را تایید نموده است.(عالم،۱۴۱۵: ۱۰۷)

الف. اهمیت مقاصد شریعت در تبلیغ

اهمیت مقاصد شرعی را به شخص دعوت‌گر (مبلغ) را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. برای دعوت گر، کشف مقاصد و اهداف شریعت اسلامی، امر لازمی و حتمی است؛ چون رغبت و تمایل مردم به شریعت را بیشتر نموده، در انجام تکالیف آن‌ها را تشویق می‌نماید؛ زیرا طبیعت بشری، منافع را دوست داسته و قلب آن به چیزی که مسیر و منافع آن ظاهر و واضح است، تمایل بیش‌تری دارد، مانند اینکه هرگاه برای آن‌ها گفته شود، نماز انسان را از فحشاء و منکرات نجات می‌دهد، این آرامش را برای شخص مسلمان به ارمغان می‌آورد، با شنیدن این مطلب، شخص مسلمان برای انجام آن شتابی می‌کند؛ زیرا اهداف آن را دانسته و به منافع و مصالح خویش مطابق می‌داند.(زحیلی،بیتا: ۱۸)

۲. اولویت بندی در دعوت: فهم مقاصد برای شخص دعوت‌گر امر مهم است، زیرا توسط این، شخص دعوت‌گر می‌تواند اولویت بندی در دعوت خویش نماید، ضروریات را بر حاجیات و تحسینیات، اصل را بر تابع، مصلحت عامه را بر مصلحت خاصه مقدم نماید، مردم را از ضرر بزرگ، نسبت به ضرر کوچک در بیم داشته و به اندازه عقل و فهم شان مورد خطاب قرار دهد.(خادمی،۱۴۱۹: ۱۵۲/۲-۱۵۵)

۳. بیان اهداف دعوت‌گر: مقاصد شرعیه هدف دعوت‌گر را مشخص می‌نماید، که مردم را به کدام سو دعوت کند و دعوت آن‌ها به سوی تحقیق مصالح مردم و دفع مفاسد از آن‌ها است.(زحیلی، بیتا: ۱۷)

۴. پاسخ گویی به مستشرقین: اظهار و بیان مقاصد شرعی و بحث در مورد آن‌ها، شبهات مغرضین و مستشرقین که شریعت اسلامی را به کوتاهی، نبود وفاء به احتیاج مردم، متهم نموده و

استبدال آن را درخواست دارند، مردود می‌شمارد؛ زیرا زمانی که مقاصد اصلی شرعی شناخته شود و تطابق احکام اسلامی با هر زمان و مکان اثبات گردد، کذب همه افترآت نیز هویدا می‌گردد.(ایوبی،۱۴۱۸: ۲۲۶)

۵. درک علل تشریع و ویژگی آن: با فهم درست از مقاصد شرعی، انسان علت‌ها، حکمت‌ها، و اغراض جزئی و کلی، عامه و خاصه شریعت اسلامی را دانسته و صلاحیت شریعت مقدس اسلامی را در هر برهه از زمان و مکان با اختلاف طبایع و ظروف می‌توان دانست.(خادمی،۱۴۱۹: ۴۴/۱)

ب. اهمیت مقاصد در اجتهاد

درک مقاصد شرعی و مصالح آن برای فرد مجتهد و فقیه در استخراج احکام و صدور فتاوی از امور لازمی بوده که در موارد ذیل خلاصه می‌کنیم:

۱. فهم و تفسیر نصوص شرعی و شناخت دلالت آن‌ها

مقاصد شرعی بهترین همکار برای شناخت نصوص شرعی، دلالت الفاظ و شناخت معانی آن‌ها است؛ زیرا الفاظ و عبارات، گاهی دارای تعدد معانی و تعدد مدلول هستند، و این معانی و مدلولات را مقاصد

.اهمیت مقاصد شرعی به دعوت

1141141141

مقاصد شرعی نقشی بسزایی در ترجیح دلایل متعارض و پیدا نمودن شیوه وفق میان آن‌ها دارد، که بواسطه آن اختلاف به سوی تقلیل رفته و میان نظریات صاحبان اندیشه، تقریب حاصل می‌گردد و نزاع بین مسلمانان برداشته می‌شود.

چنانچه ابن عاشور (رح) در بیان دلیل نوشتن کتاب خود مقاصد الشریعه می‌فرماید: این کتاب را نوشتم تا چراغی برای فقیهان دینی باشد، به عنوان مرجع برای حل اختلاف از آن استفاده نمایند، راهی باشد برای تقلیل اختلاف بین فقهای اسلامی و دروازه‌ی باشد برای انصاف در ترجیح بعضی از نظریات برخی دیگرش.(فاسی،۱۹۹۳: ۱۶۵) چنانچه صحابه کرام در دفع تعارض دو حدیث از مقاصد کمک گرفته رسول الله ﷺ فرمودند: ° کسیکه نماز عصر را ترک کند، عملش باطل مي‌گردد.(بخاری، ۱٤۲۲: ٤٤٥/۲)

۳.رجوع به مقاصد شریعی در نبود نص در مسایل مستحدثه

مجتهد و فقیه در مسایل مستحدثه در صورت نبود نصی از نصوص شرعی، به مقاصد شرعی رجوع می‌کند، احکام را توسط اجتهاد، قیاس، استصلاح، استحسان و دیگر چیزهای که با روح دین و مقاصد شریعت و احکام اسلامی موافقت دارد، استنباط می‌کند.زحیلی،بیتا: ۲۰) چنانچه زحیلی رح می‌فرماید: اگر مجتهد احتیاج به حکم مسئله از طریق قیاس، استصلاح و یا استحسان نمود، باید بسیار دقیق به اهداف شریعت اسلامی بنگرد.(زحیلی،بیتا: ۳۰۷/۲ ؛ جغیم، ۱۴۲۲: ۵۰-۵۱)

۲. منابع مقاصد شریعت

منظور از منابع مقاصد شریعت، مستندات و ادله‌ی است که برای اثبات ربانیت و مشروعیت مقاصد شرع ارائه می‌شود. نظریه پردازان مقاصد شریعت بر این باور اند که از زمان صدر اسلام و نزول قرآن مجید بر پیامبر ﷺ و شکل‌گیری نظام اسلام، پیوستگی احکام عمومی و خصوصی اسلام با در نظر داشت مصالح که ضامن سعادت دنیا و آخرت انسآن‌ها اند، مورد تأکید و تائید بوده است.

۲-۱. کتاب (قرآن کریم)

چنانچه بدیهی است، قرآن کریم، نخستین منبع تشریع و اصل قاطعی است که احکام و ارشادات شرعی از آن گرفته می‌شود و به این ترتیب، در آیات قرآن کریم ذکر مقاصد، چشم نواز است. ذکر مقاصد نشان می‌دهد که جعل احکام هدفمندانه است.

قرآن کریم بر چندین هدف و غایت تشریع اسلامی تصریح کرده است. از جمله: نص بر اینکه قرآن کریم خود برای هدایت، تهذیب، اصلاح و سعادت نازل شده است. چنانچه قول خداوند متعال است: **(إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ يَهدِي لِلَّتِي هيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهمْ أَجْرًا كَبِيرًا)**؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است.(اسراء: ۹)

۲-۲. سنت

پس از قرآن کریم دومین منبع و مصدر تشریع اسلامی، همانا سنت مطهره پیامبراکرمﷺ است که تمام احکام، علل و مقاصد شرعی، توسط آن تبیین و شناخته می‌شود، که برخی از نمونه‌های این امر، عبارت اند از: تأکید و نص گذاشتن سنت بر مقصد اجازه (اِستئذان) خواستن (از صاحب منزل)، پیش از داخل شدن به خانه و منزل. مقصد این امر حفظ عرض و آبروی مردم و پوشیده داشتن راز و وضعیت آنان است. پیامبر اکرمﷺ در این مورد فرموده‌اند: [۶] سهل بن سعد – رضي الله عنه - مي‌گويد: مردي از سوراخي به داخل يكي از خانه‌هاي رسول الله ﷺ نگاه كرد در حالي كه آنحضرت ﷺ چوب نوك تيزي در دست داشت و با آن، سرش را مي-خاراند. پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر مي‌دانستم كه تو نگاه مي‌كني، آن را در چشم ات فرو مي-بردم. زیرا بخاطر نگاه است که اجازه خواستن، لازم شده است.(بخاری، ۱۳۸۶: ۶۱۲/۶)

۲-۳. اجماع

اجماع در لغت به دو معنا بکار رفته: یکی به معنای عزم و تصمیم بر چیزی چنانچه گفته می-

شود: «أجمع فلان علی کذا إذا عزم وصمم علیه، وأجمع الأمر إذا عزم علیه». و دیگری به معنای اتفاق است. چنانچه می‌گویند: [۷]

اجماع در اصطلاح و کابر برد اهل دانش عبارت است از اتفاق مجتهدین همین امت بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ بر یک حکم شرعی.(منیاوی، ۱۴۳۲: ۴۴۲/۱-۴۴۳)

اجماع صحیح شرعی، پس از کتاب و سنت، سومین منبع و سرچشمه‌ی تشریع اسلامی به شمار می‌رود. طبق این مسلک شرعی، مقاصد و فواید متعددی ظاهر می‌گردد؛ از جمله: اجماع مجتهدین و فقهاء بر اینکه قرآن مجید کتاب هدایت، خیر و صلاح است. و دیگر اینکه احکام به منظور مصالح بندگان در دنیا و آخرت تشریع شده‌اند و اینکه امر به عبادات شده تا عبادت خالق انجام گیرد و خشنودی و رضایت وی تحقق یابد.

اجماع نزد فقهای امامیه ، عبارت از اتفاق نظری است که دلالت بر رأی امام معصوم علیه السلام داشته باشد، یعنی از اتفاق علما و فقها به دست آید که رأی اجماع کنندگان در بر گیرنده رأی معصوم باشد و بنابر مذهب امامیه حجیت اجماع نیز به همین کاشف بودن از قول معصوم علیه السلام است.(فیض،۱۳۷۱: ۲۳/۱؛ مظفر، ۱۳۸۶: ۳۲۵)

۲-٤. استقراء

استقراء یعنی پی‌گیری جزئیات، برای دست یابی به یک امر کلی و تقریر آن. استقراء احکام و اوامر شرعی و فروع آن، بر رعایت مقاصد شریعت و معتبر دانستن آن دلالت می‌کند. به طور مثال: تتبع و استقراء احکام قصر نماز و افطار کردن روزه در ماه مبارک رمضان؛ همچنین جمع بین دو نماز؛ مباح شمردن تیمم و مسح و...است.(شاطبی،۱٤۱۷: ٤۸۳/۲)

تتبع و استقراء این احکام و احکام شبیه آن، بیانگر رعایت مقاصد شرعی است که همان آسان سازی، و تخفیف حکم از دوش بندگان را نشان می‌دهد؛ بدون آن که آنان را از دایره تکلیف بیرون کند و یا اینکه با تمایلات و شهوات آنان همنوایی و هم سازی شود، در آن حکم تخفیف داده شده است. بدین اساس روشن می‌شود که استقراء از جمله دلیل اساسی شریعت اسلام، در

استدلال قطعی بر مقاصد عام و کلی احکام اسلامی، است.(خادمی، بیتا: ۱۵۷)

۲-۵. سخنان صحابه، علمای سلف و خلف

صحابه کرام در اجتهادات و فتوای خود، بر اساس علل و مقاصد شریعت عمل می‌کردند، نمونه عمل صحابه کرام به مقاصد شرعی فراوان است. چنانچه شاه ولی الله دهلوی می‌گوید: بعضی از صحابه اسرار بعضی احکام را بیان نموده است از جمله عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فلسفه مشروعیت غسل روز جمعه را بیان فرمود، و زید بن ثابت علت ممانعت از فروختن میوه قبل از رسیدنش را بیان داشت و عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فلسفه اکتفا بر استلام رکنین از بیت الله را بیان نمود، بعد از آن‌ها تابعین و ائمه مجتهدین احکام را معلل بالمصالح قرار داده و معانی آن‌ها را درک نموده اند، و از حکم منصوص علتی مناسب برای جلب منفعت و دفع مضرت استخراج و استنباط نموده اند.(دهلوی، ۱۴۲۰: ۶۰/۱)

همچنین علمای سلف و خلف در اجتهادات و فتوای خود، طبق غایات و مقاصد شرعی عمل می‌نمودند، و مقاصد شرعی در سخنان و آثار شان همواره کانون توجه بوده است که کشف مقاصد در بیان و استنباط احکام در آثارشان پخش است.(خادمی،بیتا:۵۶)

۲-۶. عقل

شهید مطهری باورمند به حجیت مقاصد است و می‌فرماید: منشأ این باورمندی و اعتقاد، اصل عقل است که کاشف مقاصد کلی است. وی می‌نویسد: «فقها می‌گویند: مصالح و مفاسد به منزله علت‌های احکام اند... اگر در جای بدون آن‌که در قرآن و یا در سنت چیزی داشته باشیم، به حکم عقل، مصلحت یا مفسده‌ای را کشف کنیم، به دلیل آن آشنایی که با روح کلی اسلام داریم، اسلام از آن صرف نظر نمی‌کند؛ بخاطر اینکه احکام تابع مصالح و مفاسد نفس الامری هستند و این مصالح هم غالباً در دسترس ادراک عقل بشر است».(مطهری، ۱۳۷۰: ۳۸/۲-۳۹؛ کلینی،۱۴۰۱: ۲۲/۲)

هم‌چنین در این باره، سخنان فراوان از پیشوایان معصوم (علیه السلام) نقل گریده است، از جمله: «خداوند روز قیامت، تنها ره اندازه عقلی که به بندگان در دنیا داده است نسبت به حساب

آنان باریک بینی می‌کند».(خمینی،۱۴۱۸: ۴۷۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۱: کتاب عقل وجهل حدیث۷) و در جای دیگر امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: امام باقر علیه السلام فرمود چون خدا عقل را آفرید باو فرمود پیش بیا، پیش آمد فرمود برگرد، برگشت فرمود بعزت و جلالم مخلوقي بهتر از تو نیافریدم، امر، نهي، پاداش و کیفرم متوجه تو است.(کلینی،۱۴۰۱: ۲۳/۱)

چنانچه گفته شده تشخیص اعمال درست از نادرست و کردار پسندیده از ناپسند به کمک عقل میسّر است.

۲-۷. واقعیت خارجی

صاحب نظران مقاصد شریعت بر این باور اند که واقعیت خارجی در بحث دانش مقاصد شریعت به عنوان منبع مانند نص و عقل پذیرفته شده است. در این باره می‌گویند: واقعیت موجود یا زندگی گیتی خاکی که مجرای تجارب و عادات انسان‌ها است، از جمله منابع تشخیص دهنده مقاصد شرع است؛ زیرا جهان طبیعت و شریعت، در قلمرو اندیشی یا فکری توحیدیان در امتداد یکدیگر قرار دارند؛ نه در عرض و مقابل همدیگر. به دلیل اینکه سنت خالق هستی در پیدایش تکوین و تشریع یکسان است.(حسینی،۱۳۸۳: ۱۷)

۳. راه‌های کشف مقاصد شریعت

با توجه به آنچه گفته شد، روشن گردید که شریعت دارای مقاصد است و مقاصد از جایگاه و اهمیت ویژه در فقه و اصول برخوردار است. با درک، فهم و پذیرش مقاصد شریعت و نقش آن در فرایند استباط حکم شرعی اینک به بحث در باره روش و راه‌های کشف مقاصد شریعت می-پردازیم که مکانیزم کشف مقاصد شریعت چیست؟ پس لازم است که برای شناسای مسالک و راه‌های کشف مقاصد شرعی، شکیبایی و ژرف‌نگری در فهم و استنباط احکام رعایت شود و این حاصل نمی‌گردد مگر اینکه ضابطه‌های صحیح و مشخص برای روشن کردن راه‌هایی کشف مقاصد، برای آنان که خواهان شناخت اهداف شارع اند، باشد.

۳-۱. شناخت قواعد زبان عربی

قرآن مجید به لسان عربی نازل شده و لطایف، ظرایف و دقایق لغت عربی را رعایت کرده است؛ زیرا گاهی اوقات (در قرآن کریم) از عام اراده خاص و گاهی هم از ذکر خاص اراده عام می‌شود.(ریسونی، ۱۴۱۲: ۲۷۲/۱) بنابراین، فقط در قالب این زبان و با رعایت قواعد زبان عربی، مقاصد شریعت را شناخت.

۳-۲. شناخت علل امر و نهی

تفکر و تأمل در علل اوامر و نواهی شریعت اسلامی، می‌تواند شخص مکلف را به شناخت مقاصد شارع حکیم راهنمایی نماید؛ البته باید در نظر داشت که منظور از علل، همان عللی است، که ظاهر و واضح باشد نه آن عللی که ناشی از ظنون و اوهام است؛ مانند آیات زیر که علل احکام در آن‌ها به صراحت ذکر شده است.(همان:۲۷۳)

خداوند متعال می‌فرماید: (**مَا أَفَاءَ اللَّه عَلَى رَسُولِه مِنْ أَهلِ الْقُرَى فَلِلَّه وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَه بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ**).(حشر:۷) چیزهایي را که خداوند از اهالي این آبادیها به پیغمبرش ارمغان داشته است، متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده مي‌باشد. این بدان خاطر است که اموال تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست به دست نگردد (و نیازمندان از آن محروم نشوند). پس خداوند متعال علت تقسیم «فیء» را میان اصناف مذکور در آیه را برای جلوگیری از دست به دست شدن اموال در دست ثروتمندان و محروم ماندن فقراء و مساکین از آن بیان نموده است. پس از آیه فوق الذکر می‌توان قصد شارع حکیم برای برپایی عدالت در جامعه را فهمید.(ریسونی، ۱۴۱۲: ۲۷۴/۱)

۳-۳. شناخت مقاصد اساسی از مقاصد تبعی

چنانچه در بخش اقسام مقاصد شریعت به صورت مفصل بیان می‌گردد که شریعت دارای دو نوع مقصد است. مقاصد اصلی همانا غایت احکام شارع است و مقاصد تبعی که در واقع در

خدمت مقاصد اصلی است. به طور نمونه مقصد اصلی در ازدواج، حفظ نسل انسان است. اما مقاصد ثانوی و تبعی آن عبارتند از: کامجویی از همسر، محقق ساختن مودت، آسوده شدن در کنار او و منع از به حرام افتادن و ... که تمام این مقاصد گاه به صورت صریح و گاه هم به صورت کنایه بیان شده است.(جغیم، ۱۴۲۲: ۴۲)

۳-٤. استقراء

استقراء در لغت به معنای تتبع، تفحص، جستجو و پیگیری است.(جوهری، ۱۴۰۲: ۲۴۶۰/۶) اما در اصطلاح عبارتند از دنباله نمودن مسایل جزئیات برای وصول به حکم کلی.(جرجانی، ۱۴۰۵: ۳۷) استقراء بر دو قسم است.

الف) استقراء تام

استقراء تام عبارتند از دنبال نمودن تمام جزئیات به استثنای مورد نزاع و این قسم از استقراء نزد اکثر از علما دلیل قطعی است برای اثبات حکم که در مورد نزاع است.(ریسونی، ۱۴۱۲: ۲۶؛ محمد، ۱۴۲۹: ۴۶)

ب) استقراء ناقص

استقراء به این معنا که دنبال کردن اکثر جزئیات و این قسم از استقرا از دیدگاه بیشتری از فقها به بنام (الحاق فرد به بیشتر) است و دلیل ظنی می‌باشد.

هدف در اینجا این است که استقرا یکی از راه‌های شناخت مقاصد تشریع است که به سبب تعقب و پیگیری نمودن نصوص شریعت و شناخت علل اوامر و نواهی، مشخص و معیین نمودن مقاصد محقق می‌شود؛ زیرا اگر ما علل بسیاری را استقرا نمودیم که تمامی بیان کننده‌ی حکمت واحدی باشند می‌توانیم که به حکمت واحدی دست رسی پیدا کنیم که مقاصد شارع است.(ابن عاشور، ۲۰۱۱: ۲۰)

۳-۵ . سکوت شارع

هر رخدادها و وقایع که نیاز به حکم شرعی دارد از سه حالت خالی نمی‌باشد:

الف) شارع امر به امتثال آن و قایع و امور می‌کند، اما از راه‌های مانند بیان فضایل آن امور، ستایش فاعلین آن‌ها و هم با صیغه طلب تحقق آن امور را خواستار می‌شود.(ابن قیم، بیتا: ۴/۴)

ب) شارع با نهی نمودن از آن امور یا بیان مذمت فاعلین آن امور، خواستار نفی و عدم تحقق آن امور و وقایع است.(عزالدین،۱۴۰۷: ۱۰۵)

ج) شارع از بیان حکم در وقایعی ساکت می‌کند و نه آن‌ها را اثبات می‌کند و نه هم نفی و این نوع امور بر دو قسم است.(شاطبی،۱۴۰۲: ۱/۳۶۰)

۱. سکوت شارع از بیان حکم بر آن وقایع به خاطر عدم وجود مقتضی است. و وقایع که پس از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم رخ می‌هد، این امور و وقایع نیاز به حکم دارند، اما در زمان شارع این نوع وقایع وجود نداشته و حکم صریحی برای آن‌ها بیان نگردیده است؛ مانند مشروعیت عقد بیمه، عقدهای بانکی و... بدین ترتیب در این نوع از امور اهل اجتهاد با باز گرداندن آن وقایع و امور به کلیات شریعت اسلام و دیگر راه‌های استنباط احکام شرعی، برای آن‌ها حکم بیان می‌کنند.

۲. سکوت شارع از بیان حکم در صورت وجود مقتضی و انتفای مانع است. پس در صورت فراهم بودن وجود مقتضی، اگر شارع سکوت کند، سکوت شارع بیان‌گر آن است که شارع نمی‌خواهد بر وضع حکم چیزی بیفزاید و یا هم از آن بکاهد.(ایوبی، ۱۴۱۸: ۷۴)

نوشتار سوم: اقسام مقاصد شریعت

بحث اقسام مقاصد شریعت از مباحث بنیادینی است که استخوان‌بندی دانش مقاصد را تشکیل می‌دهد. مقاصد شریعت بر اساس اعتبارات و حیثیاتی مختلف؛ مانند اعتبار پیامدهای آن در جامعه به ضروریات، حاجیات و تحسینیات، و از اعتبار قصد به اصلی و تبعی و از اعتبار شرعی و عدم آن به مقاصد ملغا، مقاصد معتبره و مقاصد مرسله و از اعتبار حکم به قطعی، ظنی و وهمی و از اعتبار شمول به مقاصد عام، خاص و جزیی و از جهت صدور به مقاصد شارع و مقاصد مکلف، تقسیم بندی می‌شود، هدف از بیان اقسام مقاصد شریعت، روشن ساختن حقیقت مقاصد، و احاطه بر مسایل و مباحث آن‌ها است. بخش اقسام (بخش بندی) یکی از

مباحث اساسی لازم به شمار می‌رود که در ذیل به مهم ترین آن‌ها اشاره می‌گردد و می‌توان آن را به اعتبار گوناگون طبقه‌بندی و تقسیم کرد.

۱. اقسام مقاصد به اعتبار صدور

مقاصد از جهت صدور به دو بخش کلی؛ مقاصد شارع و مقاصد مکلف، تقسیم می‌گردد. منظور از مقاصد شارع کلیه غایات شرعی‌ای است، که و حی و خطابات شارع حکیم آن را در بردارد. مقصود از مقاصد مکلف کلیه نیات و امور نهفته در ذهن مکلف وجود دارد.

۱-۱. مقاصد شارع

منظور از مقاصد شارع چنان که اشاره شد، عبارت است از مقاصد که شارع حکیم از طریق نازل کردن وحی، وضع شریعت و بیان احکام در نظر داشته است. این مقاصد به صورت اجمالی و عمومی در جلب مصالح و دفع مفاسد و تثبیت عبودیت خداوند (ج) و اطاعت وی ترسیم می-گردد. به طوری که حتی برخی از دانشمندان همه مقاصد را در (جلب مصالح) خلاصه نموده اند و باور دارند که درء مفاسد جزء جلب مصالح است.(شاطبی،۱۴۱۷: ۳۲۳/۲) زیرا وقتی انسان مفسده و مضرتی را از خود دور کند، در واقع مصلحتی را جلب کرده و منفعتی را محقق ساخته است.

۱-۲. مقاصد مکلف

هدف از مقاصد مکلف، کلیه‌ی مقاصد و نیاتی که مکلف در گفتار، کردار و تصرافات مختلف خود در نظر دارد و به موجب آن در افعال از نظر صحت، فساد و بطلان فعل و همچنان میان فعل تعبد و امتثال با معاملات تجاری، ازدواج، دیانت و قضا، موافق و مخالف با مقاصد شارع و مخالف و معارض با آن، تفاوت ایجاد می‌کند.(خادمی،۱۴۱۹: ۵۳) اما اگر نیت و قصد مکلف با مقاصد شارع حکیم مخالف باشد و با اهداف و ارشادات وی در تعارض باشد، در این صورت بدون تردید بر فساد و بطلان قول، فعل و تصرف وی حکم می‌شود.(خادمی،۱۳۹۶:

۱۰۷-۱۰۸) این گفته ها بر طبق عمل به این سخن گهر بار پیامبر ﷺ است که فرمودند: بخاری، ۱۴۲۲: ۳/۱)[۸] هر عمل به موجب نیت استوار است و هر شخص مسؤل نیت و اراده خود شناخته می‌شود.

۲. اقسام مقاصد به اعتبار پیامدهای آن در جامعه

در قسمت اول مقاصد شارع و مکلف بیان شد ملاک این تقسیم بندی این است که مقاصد را از لحاظ محل یا جهت صدور آن‌ها نشان می‌هد. اما در تقسیم بندی دوم، مقاصد را از اعتبار ضرورت، لزوم، شدت نیاز و احتیاج به آن‌ها به ضروریات، حاجیات و تحسینیات تقسیم می-شود؛ که هر یک از تقیسم فوق الذکر کمالیتی دارد که در این مبحث به هر یک از این مقاصد به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گرد.

۲-۱. ضروریات

هر احکام فقهی که سبب حفظ مقاصد پنجگانه حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ عقل و حفظ مال باشد، از جمله ضروریات محسوب می‌شود.(سبکی،۱۴۰۴: ۵۵/۳)

یا به عبارت دیگر هر آنچه که حفظ امور حیاتی (زندگی) دنیوی و اخروی انسآن‌ها را تأمین می‌کند که در صورت فقدان یکی از آن‌ها زندگی انسآن‌ها موجب اختلال و دچار مشکلات شود؛ امور ضروری محسوب می‌شوند؛ چون قوی ترین مراتب مصالح، ضروریات پنجگانه(دین، جان، عقل، نسل و مال) است که امور دین و دنیا به آن‌ها قایم و استوار است، محافظت امور پنجگانه ضامن تأمین امور فرد و جامعه است. و حفظ این ضروریات مشار الیه این قول الله منان است.(زحیلی،بیتا: ۱۰۲۰/۲-۱۰۲۱) **(يَا أَيُّها النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لا يُشْرِكْنَ بِاللَّه شَيْئًا وَلا يَسْرِقْنَ وَلا يَزْنِينَ وَلا يَقْتُلْنَ أَوْلادَهنَّ وَلا يَأْتِينَ بِبُهتَانٍ يَفْتَرِينَه بَيْنَ أَيْدِيهنَّ وَأَرْجُلِهنَّ وَلا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ...)**(ممتحنه:۱۲)؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای

مخالفت فرمان تو نکنند.

امام ابو حامد غزالی (رح) هدف شارع مقدس از بندگان در رتبه بندی ضروری را منحصر در حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال آن‌ها می‌داند.(غزالی،۱۴۱۷: ۴۱۶/۱؛ عالم،۱۴۱۵: ۲۴۷-۲۷۰)

۲-۲. حاجّیات

حاجیات عبارت از آن دسته از احکامی اند که نیازهای عمومی حیات بشری را تأمین می-کنند؛ در حقیقت اموری اند که نیاز به آن‌ها، برای رفع حرج و مشکلات است؛ اما اختلال در آن‌ها سبب اختلال مصالح عمومی نمی‌گردد، لکن به گونه‌ی رعایت نگردد، افراد مکلف به نوعی در حرج و سختی می‌افتند.(شاطبی،۱٤۱۷: ۱۳٦/۲) مثلا اباحه عقد بیع، رهن، اجاره، مضاربه و... توسط شارع حکیم برای رفع و مشقت از مکلفین است.

۲-۳. تحسینیات

مقاصد تحسینی عبارت از مقاصد است که در مرتبه پایین از ضروریات و حاجیات قرار می-گرند. و اینکه چرا این نوع مقاصد را تحسینیات می‌نامند این است که وضعیت انسان‌ها را حَسَن و نیکو می‌سازد.

امام الحرمین مقاصد تحسینی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مقاصد تحسینی عبارت از مقاصد است که نه به ضرورت‌های خاصی ارتباط پیدا می‌کند و نه هم به نیازهای عام؛ بلکه به قصد جلب یک امر حسن و نیکو و یا هم دور ساختن امری که نقیض آن نیکو می‌باشد، صورت می‌گیرد. بنابراین جایز است که طهارت حدث و دور کردن خبث را به نوع مقاصد محلق نمود».(جوینی،۱۴۰۰: ۹۲۴/۲-۹۲۵) چنانچه قول خداوند متعال است، که می‌فرماید: **(إِنَّ اللَّه يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِرِينَ)**؛ خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.(بقره:۲۲۲)

۳. مقاصد به اعتبار قصد

مقاصد اصلی و تبعی، تقسیم روشمند ترتیبی‌ای را تشکیل می‌دهد که در آن معنای اصالت و نقطه مقابل آن را تشکیل می‌دهد. این تقسیم بندی نیز از استقراء نصوص شرعی و ارشادات آن بر آمده است که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

۳-۱. مقاصد اصلی

مقاصد اصلی عبارت از مقاصد اساسی و بنیادی است که شارع آن‌ها را به صورت اصلی و ابتداءً قصد نموده است. به این معنا که بر اساس قصد اول، ابتدایی و اساسی آن‌ها را قصد کرده است. برخی دیگر گفته‌اند: مقاصد اصلی عبارت از مقاصدی اند که برای مکلف در آن‌ها کدام بهره‌ی وجود ندارد؛ به این معنا که شخص مکلف ملزم به فعل و انجام دادن آن‌ها و همچنین ملزم به اجرای احکام آن‌ها هستند؛ فرق نمی کند که تکلیف مورد پسند مکلف باشد و یا مورد پسندش نباشد؛(شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۷۶/۲) مانند نکاح که مقصد اصلی در آن زاد و ولد است؛ زیرا الله منان نکاح را برای محقق کردن مقصد اصلی آن تشریع نموده است که عبارت است از به دنیا آوردن اولاد (اعم از پسر و دختر)، عمران سازی جهان هستی و زندگی از طریق بقای بشر به صورت موجود و مستمر تا زمانی که الله منان بخواهد.

۳-۲. مقاصد تبعی

مقاصد تبعی عبارت از مقاصدی است، که شارع به صورت تبعیت و تکمیل مقاصد اصلی آن‌ها را قصد کرده است. و یا به عبارت دیگر، مقاصد تبعی مقاصد اند که در آن‌ها بهره‌ای مکلف رعایت شده و نیز حاجیات و کمالیات وی در آن دخالت دارد؛ به این معنا که خواسته‌های حاجی وی که به خواسته‌های ضروری نزدیک‌اند و نیز خواسته‌های تحسینی‌ای در آن‌ها دخالت دارد که وسیله آن‌ها برای محقق نمودن کامل‌ترین مراتب، زیباترین حالات و بهترین اوضاع معاش و معاد، عمل می‌کند. مانند ازدواج که دارای دو مقصد، یکی مقصد اصلی و دیگری مقصد تبعی می‌باشد. مقاصد اصلی و اساسی ازدواج عبارت از تناسل، زاد و ولد به منظور عمران سازی جهان هستی است و مقاصد تبعی آن عبارتند از: آرامش، کامجویی از همسر، محقق نمودن مودت و دوستی و همچنان آرام گرفتن با فرزندان و کمک گرفتن از آن‌ها به ویژه در دوره‌های ضعف،

ناتوانی، بیماری و نیاز.

٤. انواع مقاصد به اعتبار شرعی و عدم آن

پیشتر برخی از انواع مقاصد شریعت ذکر شد، در ادامه به مقاصد به اعتبار شرعی بودن و عدم آن، که به مقاصد ملغا، مقاصد معتبر و مقاصد مرسل تقسیم می‌شود، می‌پردازیم.

٤-١. مقاصد ملغا

اندیشمندان، مقاصد ملغا را در اغلب مواقع، به مصالح ملغا نام می‌برند و می‌گویند: مقاصد ملغا عبارت از مصلحتی است که شارع آن را رد و باطل کرده است و در تشریع احکام آن‌ها را مورد قصد و اراده قرار نداده است و یا در تعریف آن گفته اند: این نوع مصلحت آن است که دلیل شرعی جزئی یا کلی بر رد و ابطال آن، عدم تعلیل و قیاس بر آن، دلالت می‌نماید؛ اگر چه در ظاهر مناسب و معقول هم باشد.(جبه جی،بیتا: ۲۳۸) مانند پرداختن به خمر (شراب) به صورت نویشدن، فروش، حمل و نقل و... از جمله مصلحت ملغا به حساب می‌رود؛ به این معنا که منفعتی به شمار می‌رود که شارع آن را رد و ابطال نموده است. و یا هم مانند شخصی که مجبور (اکره) به قتل فردی (محقون الدم) شود، درست نیست که آن کار را انجام دهد و انجام چنین کاری، مصلحت ملغا به شمار می‌رود؛ زیرا فردی که نسبت به قتل وی اجبار و اکره صورت گرفته است، از جانب وی جانیتی رخ نداده است و کشتن وی مفسده عظیمی به شمار می-رود.(غزالی،بیتا: ۲۴۷-۲۴۸)

٤-٢. مقاصد معتبر

مقاصد معتبر، عبارت از مقاصد اند که نص شرعی و یا هم اجماع فقها و مجتهدین آن را تثبیت و تقریر کرده است؛ یا به عبارت دیگر، مقاصدی است، که در قرآن مجید و یا سنت نبوی بر آن نص گذاشته یا اندیشمندان و مجتهدین تصریح کرده اند که یک مصلحت شرعی معتبر است؛(جبه جی،بیتا: ۲۳۸؛ خادمی،بیتا: ۱۰۷؛ شلبی،بیتا: ۲۸۱) مانند مصلحت قایم نمودن نماز، دادن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و زیارت بیت الله الحرام است که نصوص این احکام، بیان کننده مصالح و منافع آن‌ها است؛ زیرا خداوند متعال در باره نماز فرموده است: (**إِنَّنِي أَنَا اللَّه**

لَا إِلَه إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاه لِذِكْرِي). من «اللّه» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپادار!(طه:۱۴)

٤-۳. مقاصد مرسله

مقاصد مرسله، به معنای مقاصدی‌اند که شرع به وسیله دلیلی خاص بر اعتبار و یا الغای آن شهادت نداده است. به این معنا که شریعت به شکل صریح و مستقیم بر تأیید و رد آن تصریح نکرده؛ بلکه می‌توان گفت که شریعت به صورت عام و غیر مستقیم بر آن نص گذاشته است.(جبه جی،بیتا: ۲۴۳؛ غزالی،بیتا: ۲۰۷) مثال ذیل بر وضوح آن می‌افزاید، مثلاً جمع آوری قرآن مجید در زمان خلافت ابوبکر صدیق (رض) صورت گرفت؛ زیرا جمع آوری قرآن کریم به شکل شریح و مستقیم نه در کتاب الله و نه هم در سنت رسول الله، مورد تصریح قرار نگرفته است؛ بلکه برای آن معنایی در کتاب الله دیده می‌شود که عبارت است از این نکته مورد تصریح، چنانچه می‌فرماید: (**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَه لَحَافِظُونَ**). ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم!(حجر:۹)

۵ . مقاصدشریعت به اعتبار حکم

در مطالب قبلی انواع مقاصد به اعتبارات گوناگون تقسیم بندی گردید، در اینجا مقاصد به اعتبار حکم به مقاصد قطعی، ظنی و وهمی، تقسیم می‌گردد.

۵-۱ . مقاصد قطعی

مقاصد قطعی، عبارت از مقاصدی‌اند که اندیشمندان و مجتهدین بر معتبر شمردن و مراعات آن‌ها بدن هیچ نوع اختلاف و اعتراضی اتفاق نظر دارند؛ مانند غایت و مقصد حفظ دین، حفظ قرآن کریم و صیانت از آن و تلاش برای آموختن و آموزش دادن آن، از لحاظ حفظ، قرائت، تفسیر و استنباط است. زیرا مصالح قطعی و یقینی موجود در این مقاصد، بر قبول این مقاصد و عمل به آن‌ها، اتفاق نظر وجود دارد؛ و بر معتبر بودن آن‌ها نیز اجماع شده است. علاوه بر آن، نصوص، ادله و معانی شرعی فراوانی در زمینه اعتبار و قبول آن وجود دارد و از جمله بارزترین این نصوص،

ادله و معانی شرعی، آیات دعوت‌کننده به ایمان، به کتاب الله و عمل به ارشادات آن، آیات توصیف کننده قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، بشارت، اصلاح، نور و بیان، آیات بیان کننده حقانیت و حجیت قرآن کریم و همچنین آیات نفی کننده تغییر، تحریف و ناحق دانستن قرآن کریم است.(خادمی،بیتا: ۱۴۰-۱۴۱)

۵-۲ . مقاصد ظنی

مقاصد ظنی، عبارت از مقاصدی هستند که به وسیله دلیل ظنی‌ای ثابت شده‌اند که دلالتی یقینی و قطعی بر مراد آن دلالت نمی کند. به عبارت دیگر، مقاصد ظنی از لحاظ مرتبه پایین تر از مقاصد قطعی و یقینی هستند یا در سطحی پایین تر از آن‌ها قرار می‌گیرند.(همان:۱۴۳)

۵-۳ . مقاصد وهمی

مقاصد وهمی، عبارت است از مقاصد که مردم فکر می‌کنند که خیر و صلاح‌اند؛ اما در واقعیت زیان و فساداند. مانند: تصور کردن مصلحت تعامل با ربا که الله متعال آن را حرام نموده است، و یا هم مصلحت برابری و مساوی بودن سهم مرد و زن در میراث و نیز مصلحت دانستن اعطای قوامیت به زن، که همه‌ی این مصالح، مصالح خیالی و وهمی به شمار می‌روند که جز در خیال محض و اوهام رخ نمی دهد.(همان:۱۷۴)

٦. مقاصد به اعتبار شمول و عدم آن

چنانچه در در بخش‌های گذشته، مقاصد شریعت به اعتبار و انواع گوناگون تقسیم بندی شد. اما در این بخش یکی دیگری از مقاصد را بیان می‌کنیم که به عام (کُلی)، خاص و جزئی بودن ارتباط دارد. اما مقصود از عموم و کلی در اینجا، همانا عام بودن احکام می‌باشد؛ مراد از خاص بودن نیز خاص بودن بعضی از احکام می‌باشد؛ و منظور از جزئی بودن، فقط برخی از مردم است. که در این بخش به حقیقت این نوع از راه تعریف، شرح و ارائه مثال برای هریک می-پردازیم.

٦-١. مقاصد عام (کلی)

منظور از مقاصد عام، آن مقاصدی است که شارع در وقت وضع احکام، تمام امت و یا یک کتله‌ی بزرگی از مردم را که برای خیر و منفعت است، مورد جلب و توجه آن قرار داده است. برای نمونه: نگهداری و حمایت شهرها از (تجاوز) دشمن، و یا نگهدای امت از جدای و تفریقه، و حفظ دین از زوال و نابودی، و همچنان حفظ سنت از دخالت های (حدیث) موضوعی و نیز حفظ حرمین شریفین (در مکه و مدینه) از وقوع بدست دشمنان (اسلام)، همه‌ی این‌ها از موارد عام مقاصد شریعت است.(زحیلی،بیتا: ۱۰۲۸/۲) در این باره امام شاطبی چنین می‌گوید: «المقصد العام للشریعه الإسلامیه هو عماره الأرض، وحفظ نظام التعایش فیها، واستمرار صلاحها بصلاح المستخلفین فیها، وقیامهم بما کلفوا به».(ریسونی،۱۴۱۲: ۶)

٦-٢. مقاصد خاص

مقاصد خاص، عبارت از مقاصدی هستند که بعضی از احکام تشریعی یا برخی از ابواب و حوزه‌ها، به آن مربوط می‌شوند. مانند حوزه معاملات نظیر خرید و فروش، عقد اجاره، عقد استصناع و... ویا در بخش امور خانواده مانند: نکاح، نفقه، حضانت، و... ویا در باب جنایات و عقوبات.(خادمی،بیتا: ۱۶۱) ابن عاشور مقاصد خاص شریعت را در حوزه‌های مختلف تقسیم بندی می‌کند که در ذیل بیان می‌گردد.

مقاصد خاص (شریعت) در امور خانوادگی؛

مقاصد خاص حوزه‌ی تصرفات مالی؛

مقاصدخاص معاملات منعقد شده بین کارگر و کار فرما (شرکت ابدان)؛

مقاصد خاص در قلمرو تبرعات و نافله؛

مقاصد خاص در باره قضاوت و شهادت؛

و مقاصد خاص مجازات (کیفری).(ابن عاشور،۲۰۱۱: ۱۵۵-۱۵۶)

٦-٣. مقاصد جزئی

منظور از مقاصد جزئی، مقاصدی است که شارع در جزئیات احکام خود، اعم واجبات و یا محرمات، و یا هم از مکروهات و یا مستحبات، شروط یا اسبابی را مورد نظر دارد. بنابراین، این مقاصد همان رازها و اسراری است که شارع حکیم در هنگام تشریع هر یک از احکام خود، در نظر داشته است.(فاسی، ۱۹۹۳: ۳)

نمونه‌ها برای مقاصد جزئی: مقصد از مشروعیت عقد نکاح، ایجاد و برپای نظام خانوادگی و هدف از مشروعیت طلاق، پیشگیری و وقایعه از زیان مستمر بین ناکح و منکوحه و مقصود از غسل و وضو، پاکی بدن است. دانشمندان و فقها بیشتر به این نوع از مقاصد پرداخته‌اند، زیرا فقیهان بیشتر در جزئیات شرع تخصص دارند و این مقاصد را در خلال اجتهادات و استنباطات خویش بیان می‌کنند، مانند: تعبیرات حکمت، معنا، علت و...(حلیبی، ۱۴۳۰: ۵۸)

نتیجه‌گیری

مقاصد شریعت پیوسته کانون توجه دانش فلسفه فقه بوده است. کشف مقاصد شریعت و مدد گرفتن از عقل برای کشف آن‌ها در جهت استنباط حکم شرعی، در میان اهل سنت سابقه طولانی دارد، هر چند ظاهرگرایان باتأکید بر رجوع به ظاهر سنت، با این گرایش مخالفت کرده‌اند، ولی مکاتب دیگر فقهی اهل سنت با مقبول دانستن قیاس آن‌را پذیرفته‌اند. اما بحث مقاصد شریعت در میان اندیشمندان تشیع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اندیشمندان تشیع با تأکید بر اینکه مصالح احکام مخفی و دور از دسترس عقل بشر است، کمتر در صدد کشف مقاصد شریعت بر آمده‌اند. اما فقهای دوره میانی تشیع مانند شهید اول، به بحث مقاصد شریعت بی‌توجه نبوده‌اند.

در این مقاله، سه محور:۱. مفهوم شناسی. ۲. ماهیت و چیستی مقاصد شریعت. ۳. اقسام مقاصد شریعت که حاصل یافته‌های پژوهش را می‌توان چنین بر شمرد:

۱. به جز از ظاهریه کسی دیگر از هل سنت منکر استفاده از مقاصد نیستند هر چند که در میزان بهره‌گیری از مقاصد در میان آن‌ها اختلاف دیدگاه وجود دارد. مقاصد شریعت در میان علمای اهل سنت سندی است برای استنباط حکم شرعی و این استعمال مقاصد به صورت قیاس،

استحسان، مصالح مرسله و سد ذرائع بروز می‌کند. اما بر اساس دیدگاه فقهای امامیه مقاصد شرعی نمی‌تواند منبعی برای استنباط احکام شرعی باشند و بیش‌تر نقش تفسیر نصوص شرعی را دارد.

۲. مقصود از مقاصد شریعت معانی، اهداف و نتایجی است، که بر خاسته از روح شریعت می‌باشد، خداوند حکیم احکام را بر مبنای آن تشریع نموده و نیز برای دسترسی به آن احکام در هر مقطع از زمان و مکان، اسباب و امکانات لازم را فراهم نموده و تحقق مصالح بندگان را طبق آن مقاصد رعایت نموده است.

۳. به وسیله‌ی شناخت مقاصد شریعت، تکامل، زیبایی و هم پیوستگی شریعت آشکار و پاسخ‌گویی به مسایل جدید و نیز متمایز کردن شریعت اسلامی از نظام‌های کمونیستی، سرمایه-داری و دیگر نظام‌های غیر دینی و الهی، متمایز می‌گردد.

۴. شریعت دارای مقاصدی در احکام است و افعال معلل به علت و مصلحت انسان‌ها می-باشد، چه بشر این مقاصد و حکمت‌ها را بشناسند یا خیر؛ زیرا ادله‌ی نصوص و غیر نصوص دلالت آشکار بر این مسئله دارند که احکام الهی دارای مقاصد و حکمت است.

۵. مِکانیزم کشف مقاصد شریعت عبارتند از: ۱.شناخت قواعد زبان عربی؛ ۲. شناخت علل امر و نهی؛ ۳. شناخت مقاصد اساسی از مقاصد تبعی؛ ۴. استقراء؛ ۵. سکوت شارع.

۶. مقاصد شریعت به اعتبار مصالحی که قصد حفظ آن‌ها را دارد به سه دسته ضروری، حاجّی و تحسینی تقسیم می‌گردد و مهم‌ترین آن‌ها ضروریات می‌باشد که در صورت فقدان آن-ها، نظام حیاتی بشر مختل و جهان فاسد می‌شود. آن ضروریات به نام ضروریات پنج‌گانه و یا هم کلیات خمسه یاد می‌گردد که قرار ذیل‌اند: حفظ دین، حفظ جان، حفظ نسل، حفظ عرض (آبرو) و حفظ مال می‌باشند و دین بالاترین این ضروریات است.

۷. مقاصد اصلی، مقاصدی‌اند که مقصد اصلی شارع تحقق آن‌ها برای تأمین بزرگ‌ترین مصالح است؛ اما مقاصد تبعی اموری‌اند که تابع، مکمل و تقویت کننده‌ی مقاصد اصلی‌اند. و نیز شریعت مقاصد عامی دارد که شامل همه‌ی ابواب تشریع می‌گردد و آنها عبارتند از: جلب مصالح و دفع مفاسد، رفع سختی و حرج، نهادینه نمودن عدالت، تشویق به اجتماع و مهم‌ترین

آن‌ها توحید و عبادت ذات یکتا و دوری از شرک و بت‌پرستی است. و نیز شریعت الهی مقاصد خاص وجزیی دارد که از ادله‌ی تفصیلی شرعی فهمیده می‌شوند.

۸. برای یافتن حکم برای مسایل جدیده گریزی از تمسک به مقاصد به عنوان سندی برای حکم شریعت نیست و نمی‌توان به مقاصد فقط نقش تفسیر نصوص شرعی را داد. پس مقاصد نتیجه و عصاره‌ی نصوص جزیی شرعی‌اند و چگونه ممکن است میان آنها تضاد باشد؟ و با از بین بردن جزئیات، کلیات نیز نابود خواهد شد. بنابراین، باید هم جزئیات و هم کلیات شریعت، حفظ شوند.

پی نوشت

۱. «من اصلحَ ما بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس و من اصلح امر آخرته اصلح الله له امر دنیاه». همان مراجع.

۲ «أما المصلحه فهي عباره في الأصل عن جلب منفعه أو دفع مضره». محمد بن محمد، غزالی، شفاء الغلیل فی بیان الشبه و المخیل و مسالک التعلیل، بی جا، بی‌تا، ج۲، ص۱۲.

۳. «الْحِكْمَه، مَا يَتَرَتَّبُ عَلَى رَبْطِ الْحُكْمِ بِعِلَّتِه، أَوْ بِسَبَبِه مِنْ جَلْبِ مَصْلَحَه أَوْ دَفْعِ مَضَرَّه، أَوْ تَقْلِيلِها، وَتُطْلَقُ أَيْضًا عَلَى الْوَصْفِ الْمُنَاسِبِ لِشَرْعِ الْحُكْمِ». حکیم، رعایه المصلحه والحکمه في تشریع نبي الرحمه(ص)، ص۲۰۲؛ موسوعه الفقهیه الکویتیه، ماده حکمه، ج۱۸، ص۶۷.

٤. «هي وصف في الأصل بني عليه حكمه ويعرف به وجود هذا الحكم في الفرع».

٥. «مَنْ تَرَكَ صَلاه العصْر فَقَدْ حَبِطَ عَملُه».

٦. «عَنْ سَهلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ اطَّلَعَ رَجُلٌ مِنْ جُحْرٍ فِي حُجَرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّه عَلَيْه وَسَلَّمَ وَمَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّه عَلَيْه وَسَلَّمَ مِدْرًى يَحُكُّ بِه رَأْسَه فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعَنْتُ بِه فِي عَيْنِكَ إِنَّمَا جُعِلَ الِاسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَ».

٧.«أجمعت الجماعه على كذا إذا اتفقوا عليه».

٨. «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى».

کتابنامه

ابن عاشور، محمد طاهر، **مقاصد الشریعه**، قاهره: دارالکتاب المصر، ۲۰۱۱م..

ابن قیم، محمد، **بدائع الفوائد**، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.

اتابکی، پرویز، **فرهنگ کاربردی فرزان**، تهران: نشر فرزان روز، چاپ اول، ۱۳۹۱ه ش.

ایوبی، محمد بن سعد، **مقاصد الشریعه الاسلامیه و عقلاقتها بالادله الشرعیه**، ریاض: دارالهجره، ط اول، ١٤١٨ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، یروت: دار طرق النجاه، چاپ اول، ١٤٢٢ق.

جبه جی، عمر محمد، **مقاصد الشریعه الاسلامیه**، الامارات: دارالکتب العین، بی‌تا.

جُر، خلیل، **فرهنگ لاروس عربی- فارسی**، تهران: امیر کبیر، ١٣٦٣ش.

جرجانی، علی بن محمد، **التعریفات**، تحقیق ابراهیم الانباری، چاپ اول، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۵ق.

جغیم، نعمان، **طرق الکشف عن مقاصد الشارع**، اردن: دارالنفائس، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

جوادی آملی، عبدالله، **شریعت در آینه معرفت**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲ ش.

جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه**، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۴۰۲ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح فی اللغه**، بی‌جا: بی نا، ١٤٠٢ق.

جوینی، عبدالملک بن عبدالله، **البرهان فی الاصول الفقه**، قاهره: دارالانصار، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.

حسان، حسین حامد، **نظریه المصلحه**، قاهره: مکتبه المتنبی، ۱۹۱۸م.

الحسینی، اسماعیل، **مقاصد شریعت از نگاه ابن عاشور**، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۳ق.

حکیم، محمد طاهر، **رعایه المصلحه والحکمه في تشریع نبي الرحمه(ص)**، مدینه منوره: جامعه الاسلامیه، چاپ۱۱٦، ١٤٢٢ق.

حلیبی، فیصل بن سعود، **مقاصد المکلفین عندالاصولین**، سعودی: مکتبه الرشد، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.

خادمی، نورالدین بن مختار، **علم المقاصد الشریعه**، ریاض: مکتبه العبیکان، چاپ اول.

خادمی، نورالدین، **الاجتهاد المقاصدی**، قطر: دارالکتب قطریه، چاپ اول، ۱۴۱۹ه ق.

خادمی، نورالدین، **اهداف دین**، ترجمه:سهیلا رستمی، تهران: نشر احسان، ۱۳۹۶ه ش.

خلاف، عبدالوهاب، **علم أصول الفقه وخلاصه تاریخ التشریع**، مصر: مطبعه المدني، بي‌تا.

خمینی، روح الله، **البیع**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.

دهخدا، علی اکبر، **فرهنگ دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، واژه حکمت.

دهلوی، شاه ولی الله، **حجه الله البالغه**، مترجم: محمد یوسف، حسین پور، بیروت: دار احیاء العلوم، ۱۴۲۰ق..

ریسونی، احمد، **نظریه المقاصد عند الإمام الشاطبي**، دارالعالمیه للکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.

زبیدی، محمد، **تاج العروس**، بیروت- لبنان: دارالفکر، ١٤١٤ق/١٩٩٤م.

زکریا، احمد ابن فارس **معجم مقاییس اللغه**، بی‌جا: اتحاد الکتاب العرب مع دار الفکر، چاپ سوم، ١٤٢٣ق.

سبحانی، جعفر، **اصول الفقه المقارن فیما لا نصّ فیه**، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ اول، ١٤٢٥ق.

سبکی، علی بن عبدالله، **الابهاج فی شرح المنهاج**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

شاطبی، ابراهیم بن موسی، **الاعتصام**، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۲ق.

شاطبی، ابراهیم بن موسی، **الموافقات**، سعودی: دار ابن عفان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق..

شلبی، محمد مصطفی، **تحلیل الاحکام**، بیروت: دارالنهضه، چاپ دوم، بی‌تا.

طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، بیروت: مؤسسه اعلمی، ١٤٢٧ق.

عالم، یوسف حامد، **المقاصد العامه للشریعه الاسلامیه**، مکه المکرمه: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

عزالدین، عبدالعزیز بن عبدالسلام، **الامام فی بیان ادله الاحکام**، بیروت: دار البشائر الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

غزالی، محمد بن محمد، **المستصفی من علم الاصول**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

غزالی، محمد بن محمد، **شفاء الغلیل فی بیان الشبه و المخیل و مسالک التعلیل**، بی جا، بی‌تا.

فاسی، علال، **مقاصد الشریعه الاسلامیه و مکارمها**، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م.

فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، بیروت: مکتبه الهلال، چاپ چهارم، بی‌تا.

فیض- معروف به میرزا علی مشکینی، علی اکبر، **اصطلاحات الأصول**، قم: نشرالهادی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.

قریشی، سید علی اکبر، **مفردات نهج البلاغه**، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۷ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.

محمد، عطیه، **نحو تفعیل مقاصد الشریعه**، بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

مصطفی ابراهیم و احمد زیاد عبدالقادر و حامد محمد النجار، **معجم الوسیط**، بی‌جا: دار الدعوه، بی‌تا.

مطهری، مرتضی، **اسلام و مقتضیات زمان**، تهران: صدرا، ۱۳۷۰ش.

مظفر، محمد رضا، **اصول الفقه**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

منیاوی، محمود بن محمد، **الشرح الکبیر لمختصر الأصول من علم الأصول**، مصر: المکتبه الشامله، چاپ اول، ۱٤۳۲ق.

وزاره الاوقاف الشؤون الاسلامیه باالکویت، **موسوعه الفقهیه الکویتیه**، کویت: وزاره الاوقاف الکویت، ۲۰۰۷م.

وهبه، زحیلی، **اصول الفقه الاسلامی**،کویته: مکتبه رشیدهیه، بی‌تا.

وهبه، **زحیلی، مقاصدالشریعه**، بیروت: المکتبه الاسلامیه، بیتا.